

## روش پژوهشی پدیدار شناختی و استفاده از آن در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

سمیه سادات رضوی طاهری<sup>1</sup>

### بیان مساله

آنچه امروزه در عرصه تعلیم تربیت به ویژه در نظام ارزیابی دانش آموزان با ناکامی های فراوان رو به رو بوده است، اتکای بیش از حد بر استفاده منحصراً از روشهای کمی ارزشیابی و سنجش توانایی ها، استعداد، دانش و ... متریبان تنها با بهره گیری از این روشها بوده است. بدیهی است که روش کمی بر اساس مبانی خویش بر آن است تا با استفاده از تحلیلهای آماری و بر مبنای اعداد و ارقام در ارزیابیهای خویش از متریبان T آنان را مورد سنجش قرار دهد و با تکیه بر تعمیم پذیری و یکسان نگری، به قانونهای کلی در ارتباط با مسائل آنان دست یابد. اما آنچه در این میان نادیده انگاشته می شود، توجه به ویژگیهای فردی و منحصر بفرد متریبان و تفسیرهای ذهنی متفاوت هر یک در ارتباط با جهان خارج است که هر کدام را از دیگری متمایز می کند و پیامد بی توجهی به این تفاوتها را می توان در عدم موفقیت تحصیلی، اختلالات عاطفی، بی انگیزگی و ... مشاهده کرد. در این میان گرایش به روشهای پژوهشی کیفی و استفاده از آنها در عرصه تعلیم و تربیت و به ویژه ارزشیابی از دانش آموزان با توجه به ویژگیهای فردی و تجربه زیسته هر متریبی می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات ذکر شده باشد. روش پژوهشی پدیدارشناختی نیز به عنوان یکی از روشهای پژوهشی کیفی بر آن است تا با استفاده از اصول معرفتی خویش در عرصه تعلیم تربیت، به تحلیل و درک مناسبی از تجربه زیسته متریبی نائل آید و با توجه به شرایط و روحیات خاص هر متریبی، او را مورد ارزشیابی عمیق تر و دقیق تری قرار دهد.

### سوالات پژوهش

روش پژوهشی پدیدارشناختی چیست؟ چگونه این روش می تواند در عرصه تعلیم و تربیت و به ویژه ارزشیابی از دانش آموزان مورد استفاده قرار گیرد؟

<sup>1</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تهران ، som\_raz@yahoo.com



## چارچوب نظری

در میان فیلسوفانی که از واژه پدیدار در ادبیات فلسفی خود استفاده کردند می‌توان از کانت، هگل، هایدگر، سارتر، مرلوپونتنی و از همه برجسته‌تر از هوسرل یاد کرد. بی‌شک نهضت پدیدارشناسی که منجر به اتخاذ آن به عنوان یک روش پژوهشی گردید، از هوسرل، فیلسوف مطرح آلمانی در آغاز قرن بیستم با کتاب پژوهش‌های منطقی (1900) آغاز گردید. وی این اصطلاح را هم برای روش خاص و هم اصول فلسفی اندیشه‌های خود ذکر می‌کند. او از واژه پدیدار با عنوان آنگونه که چیزی بر کسی آشکار می‌شود یاد می‌کند. تاکید او بر نقطه آغازین تفکر است و بر این باور است که برای شناخت واقعیت باید به ماهیت اولیه آنها رجوع کرد و هر واسطه‌ای را در این میان به دیده مانع نگریست و در پرانتز گذاشت (اپوخه). در دیدگاه او تجربه زیسته تجارب درونی هر فرد در ارتباط با دنیای خارج است و واقعیت چیزی جز تفسیر ذهنی هر فرد در تعامل با پیرامون خویش نیست. بدیهی است که این تجارب از شخصی به شخص دیگر و از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت است و بنابراین واقعیت امری نسبی است.

## یافته‌ها

با نگاهی به چارچوب تفویک پدیدارشناختی، می‌توان گفت مهمترین اصل در پژوهش پدیدارشناسانه، بررسی تجربه زیسته هر فرد و تحلیل و درک عمیق این تجربه به منظور دستیابی به معرفت عمیقتر است. با این نگرش، برخی فرایندهای یک پژوهش پدیدارشناسانه را در عناوین زیر خلاصه می‌کنند: 1. انتخاب موضوعی اجتماعی یا عاطفی 2. انتخاب شرکت‌کنندگان در ارتباط با موضوع 3. برقراری ارتباط کلامی مفصل در شرایط مناسب زمانی و مکانی برای بیان تجربیات زندگی مرتبط با موضوع 4. تحلیل داده‌های مصاحبه توسط یک پژوهشگر متخصص و کارآمد 5. بازخورد نظر شرکت‌کنندگان در باب نوشتار تحلیلی پژوهشگر. این روش می‌تواند در حوزه‌های مختلف آموزش و پرورش و در جهت ارتباط با متربیان و ارتقای سطح کیفی تحصیلی آنان مورد استفاده قرار گیرد. یکی از این حوزه‌ها، بحث ارزشیابی است. رویکرد مربیان تربیتی در این عرصه بیشتر مبتنی بر ارزشیابی به روش کمی از متربیان است به این معنا که متربیان بدون در نظر گرفتن حالات روحی، روانی و شرایط خاص زمانی، مکانی که در آن هستند تحت یک



ارزیابی یکسان قرار می‌گیرند و وضعیت تحصیلی، رفتاری و اخلاقی آنان با گردآوری داده‌های کمی اعم از نمرات علمی و یا پرسشنامه‌های کلی و یکسان تحلیل می‌شود و در نهایت منجر به تدوین یک قانون کلی در ارتباط با آنان و اتخاذ یک روش تربیتی یا علمی برای همه آنان می‌گردد. این عدم توجه به آنان به عنوان افرادی منحصر بفرد و دارای ادراک متفاوت از جهان پیرامون و نه عضوی از یک مجموعه یک شکل و یکسان، می‌تواند منشا مشکلات فراوانی از جمله: افت تحصیلی، معضلات اخلاقی، کمبودهای عاطفی و... باشد. حال آنکه با توجه به آنچه در ارتباط با پژوهش‌های کیفی عنوان شد، هدف از ارزیابی متریبان، نه تنها تعمیم‌دهی و رسیدن به یک قانون کلی در مورد همه آنان نیست، بلکه هدف، شناخت حالات روحی روانی متریبی با توجه به شرایط خاص وی و ارزیابی علمی یا اخلاقی او در آن شرایط است. از این رو روش پدیدارشناسی، از آنجا که تفسیر هر فرد از واقعیت را منحصر بفرد می‌داند و معیاری نسبی و متکی به زمان و مکان برای آن قائل است، می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های پژوهشی کیفی در زمینه تعلیم و تربیت و شناخت همه جانبه متریبان مفید فایده واقع شود.

### نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادات

با توجه به آنچه در بخش یافته‌ها عنوان شد، استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی می‌تواند بسیاری از خسارتهای ناشی از ارزشیابیهای کمی و معضلات متریبان در عرصه‌های مختلف علمی، اجتماعی و... را جبران نماید. برای این منظور، ابتدا لازم است تا اطلاعات کلی درباره حالات متریبی و توصیفی از شرایط اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی و وضعیت تحصیلی دانش‌آموز به دست آورد. قدم بعدی، فراهم کردن شرایطی مساعد، بدون حضور زمینه‌اضطرابهای مختلف برای اوست تا بتواند به راحتی و در فضایی آرام بخش، تعاملی دوستانه با مربی برقرار کند. امکان برقراری گفتگوهای دوستانه و به دور از هرگونه قضاوت‌های از پیش تعیین شده و اعطای فرصت به متریبی برای بیان کردن حالات درونی، فضا را برای آشنایی هر چه بیشتر و آگاهی از وضعیت متریبی آماده می‌سازد. گام بعدی، تحلیل یافته‌ها و در میان گذاشتن آنها با خود متریبی و تعامل بیشتر با او در این زمینه است. اثرات مثبت چنین روشهایی، در جلب اعتماد و اطمینان متریبی نسبت به فضای آموزشی و اولیای تربیتی و به تبع آن کسب موفقیت‌های تحصیلی از جانب او



## سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

بسیار حائز اهمیت خواهد بود. بدیهی است ارزیابی تحصیلی متربی در چنین فضایی، به واقعیت نزدیکتر و نتیجه بخش تر خواهد بود.

به هر روی، پدیدارشناسی، علاوه بر آنکه به عنوان یک اندیشه فلسفی از زمان هوسرل تا کنون مطرح گردید و منجر به نگرش‌های جدیدی در میان نظریات اندیشمندان گردید، زمینه ساز پیدایش روش پژوهشی کیفی با همین نام گشت و در نظر پژوهشگران مورد توجه قرار گرفت. زیرا این هردو (پژوهش کیفی و اندیشه پدیدارشناسی) بر این باورند که واقعیت امری ثابت و یکسان در نظر همگان، نیست بلکه تفسیر هر فرد از تجربیات او در زندگی، واقعیت را می‌سازد و با این تعبیر، به تعداد انسانها می‌توان واقعیت‌های متعدد در نظر گرفت و این تغییر نگرش نسبت به انسان، خود می‌تواند راهبردی برای حل مشکلات او در عرصه تعلیم و تربیت باشد.

**واژگان کلیدی:** هوسرل\_ پدیدارشناسی\_ تجربه زیسته\_ ارزشیابی

### منابع

- 1- ابراهیمی، پریچهر، 1368، پدیدارشناسی، تهران، نشر دبیر
- 2- بیات، عبدالرسول، 1381، فرهنگ واژه‌ها، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی
- 3- نجات غلامی، علی، 1388، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تهران، در نوبت چاپ
- 4- رهادوست، فاطمه (1384)، پدیدارشناسی و کتابداری و اطلاع‌رسانی، جهان کتاب، سال دهم، شماره 44 و 45
- 5- فتحی، بشارت (1384)، پدیدارشناسی به منزله روش پژوهش کیفی، اطلاع‌شناسی، سال دوم، شماره 3 و 4
- 6- ورنو، روژه، وال، ژان، ترجمه مهدوی، یحیی، نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه هست بودن، 1372، تهران، نشر خوارزمی
- 7- گال، م، بورگ، گال، ج، ترجمه باقری، خسرو، 1377، روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، نشر سمت